

ما را کافي است

شیعیان را تا نیمه نخست قرن چهارم هجری، حاجت به تدوین مسانید فراگیر و مجامع روایی گسترده نیفتاد؛ چه اینکه ائمه علیهم السلام را در میان خویش می‌دیدند و اصول و مسانید اصحاب ائمه که در بلاد پراکنده بودند ایشان را کفایت می‌کرد...



شیعیان را تا نیمه نخست قرن چهارم هجری، حاجت به تدوین مسانید فراگیر و مجامع روایی گسترده نیفتاد؛ چه اینکه ائمه علیهم السلام را در میان خویش می‌دیدند و اصول و مسانید اصحاب ائمه که در بلاد پراکنده بودند ایشان را کفایت می‌کرد. مقصود از اصول اما کتاب‌های کوچک و دست‌نویسی است که به دست اصحاب و شاگردان ائمه مانند زراره بن اعین، محمد بن مسلم، ابوبصیر اسدی، یونس بن عبدالرحمان، محمد بن ابی عمیر و... گرد آمده است و حاوی مطالب منسجم اعتقادی، فقهی، اخلاقی و تاریخی است. تعداد این اصول بنا به تصریح محدثان به چهارصد و اندی اصل می‌رسد که اندکی پیش از تدوین مجامع و کتب فراگیری چون «کافی»¹⁷¹؛ ثقه الاسلام کلینی،¹⁷¹؛ من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق¹⁷¹؛ و «استبصار و تهذیب» شیخ طوسی رو به وادی فراموشی گذاشتند.

البته علت اصلی این امر را باید در پراکندگی این کتب و پراکندگی موضوعاتی دید که این رساله‌های کوچک بدان می‌پرداختند. از این رو باید کتبی چون کافی را احیاکننده و استمراردهنده حیات معنوی این دست‌نوشته‌های کوچک و بزرگی دید که از دستبرد روزگار مصون نماندند؛ هرچند بررسی این رساله‌ها و اصول پراکنده در نظم حقیقی‌شان حاوی نکاتی بود که اینک به سبب فقدان نظم قدیمی میسر نیست؛ اهمیت کلینی و کافی که این جستار به سبب بزرگداشت او فراهم آمده است البته منحصر به این فائده نیست؛ از این رو ادامه گفتار را به اشاراتی در این باب اختصاص می‌دهیم.

درباره زمان تولد محمد بن یعقوب بن اسحاق، البته هیچ‌یک از مورخان، محدثان و رجالیون، تاریخی را ذکر نکرده‌اند و این البته با توجه به مکان و نیز ریاست عامه شیخ کلینی نسبت به فقهاء و محدثان نیمه نخست قرن چهارم اندکی غریب می‌نماید. کلینی خود نیز به این موضوع اشارتی نکرده است. در عین حال این تاریخ باید پس از نیمه اول قرن سوم باشد؛ در سال‌هایی میان دهه 60 تا دهه 70 قرن سوم هجری. درباره محل تولد ایشان البته اطلاعات بیشتری در دست داریم. قریه کلین در نزدیکی ری - که البته نباید آن را با روستای کلین در ورامین که اینک در شهرستان پاکدشت واقع شده است، اشتباه گرفت - محل تولد کلینی است. پسوند لقب‌گونه رازی برای ایشان نیز از همین روست.

تحصیلات مقدماتی کلینی در ری و قم نزد اساتید بزرگی چون احمد بن ادریس بن احمد اشعری قمی، سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف اشعری قمی، علی بن ابراهیم قمی، سهل بن زیاد ادمی رازی، علی بن محمد رازی کلینی و ابوجعفر محمد بن یحیی عطار اشعری قمی و... بود. برخی از ایشان همچون علی بن ابراهیم صاحب تفسیر و محمد بن یحیی از مشایخ روایی او نیز محسوب می‌شوند. کلینی البته به محدثین و فقهای قم اکتفا نکرد و برای استماع حدیث، سفرهای گسترده‌ای را آغاز کرد. او خراسان، مصر و بغداد را برای این امر زیر پا نهاد. دست آخر در زمان المقتدر بالله، خلیفه عباسی (295-320 ق) در باب السلسله بغداد ساکن و در آن دیار به تدریس و تعلیم مشغول شد.

این عصر را که تا پایان عمر کلینی در 329 ق ادامه می‌یابد باید دوران کاهش نفوذ خلیفه بغداد و افزایش روزافزون نفوذ و سلطه ترکان به شمار آورد. همین امر البته به سود محدثان و فقهای شیعه که پیش از آن از کینه‌توزی‌های خلیفه قدرتمند در امان نبودند، شد. پرورش محدثان و فقهای بزرگ به دست کلینی نیز از دیگر نتایج همین فضا است؛ بنابراین می‌توان از این دوره با عنوان عصر محدثان یاد کرد. این دوره از حدود سال 300 تا نیمه اول قرن پنجم قمری به طول می‌انجامد و بزرگ‌ترین ویژگی‌اش تدوین کتب حدیثی است. همین ویژگی سبب شد که متون فقهی نیز متأثر از این عامل به زبان حدیثی به نگارش درآیند. در این دوران متن فتاوی و رساله‌های عملیه را عیناً متن روایت تشکیل می‌داد که با نظم و ترتیب خاص ابواب فقهی سامان یافته بود.

این فرایند البته به‌طور و گسترش علم حدیث و شکل‌گرفتن شاخه‌هایی مانند رجال و درایه نیز کمک کرد. کلینی خود در این باره بزرگ‌ترین تغییر را سبب شد. او شیوه خاص تالیف و نگارش احادیث موثق را با توجه به اصول ماخوذه و وثاقت نسبی راویان و اطمینان به ملاقات روات با یکدیگر بنا کرد که پس از آن به الگویی واحد در رویکرد محدثان تبدیل شد؛ از همین رو، خود او نزد علمای رجال به‌عنوان اوثق و اثبت که به معنای موثق‌ترین و دقیق‌ترین محدث است، مشهور شد؛ عناوینی که سبب شد تا لقب ثقه الاسلام به نحو انحصاری برای او پدید آید. شیوه خاص کلینی در نقل احادیث البته به تدوین مهم‌ترین موسوعه حدیثی تاریخ شیعه یعنی «کافی»¹⁷¹؛ نیز منجر شد. کلینی خود در مقدمه این کتاب که در سه بخش اصول عقائدي، فروع فقهی و روضه که مجموعه‌ای متنوع از احادیث اخلاقی است، به ذکر علت نگارش این کتاب اشاره کرده است.

او در مقدمه، ابتدا به سخن یکی از شیعیان که از اختلاف احادیث و عدم وجود معیار و محکی برای شناسایی حدیث سقیم از حدیث صحیح، شکایت می‌کرده و تقاضای تدوین کتابی که جامع فنون دین و احادیث صحیح باشد را داشته است اشاره می‌کند؛ سپس

می‌نویسد: «؛و قد یسرالله و له الحمد تالیف ما سئلت و ارجو ان یکون بحیث توخیت؛ خدا را شکر که تالیف چنین کتابی را که تو درخواست کردی میسر ساخت. امید دارم این کتاب چنان باشد که تو انتظار داری.» (مقدمه کافی)
کلینی از همین رو نام کتاب را کافی می‌نهد. ظاهراً این نام مأخوذ از شیوه پاسخگویی او به درخواست‌کننده نگارش کتاب بوده است: «؛قلت انک تحب ان یکون عندک کتاب کاف یجمع فیه من جمیع فنون علم‌الدین؛ گفתי که دوست داری تا نزد تو کتابی کفایت‌کننده باشد که در آن جمیع فنون علم دین جمع است.» (همان)

شیوه خاص کلینی در جمع‌آوری 15176 حدیث در این کتاب به‌گونه‌ای است که علاوه بر ارائه احادیث صحیح و موثق، نوع خاصی از شیوه متقدم رجالی را نیز عرضه می‌کند؛ به این صورت که ابتدا به نقل روایاتی می‌پردازد که در سلسله سند آن راویان موثق‌تری وجود دارد. سپس نوبت به روایاتی می‌رسد که راویان ایشان از درجه وثاقت کمتری برخوردارند. البته این به معنای تقسیم چهارگانه متأخر احادیث براساس تقسیم روایات به چهار عنوان صحیح، موثق، حسن و ضعیف که یک تقسیم‌بندی بسیار متأخر محسوب می‌شود نیست. اما بی‌شک توانسته است تا زمینه شناخت راویان را برای علمای رجال تسهیل کند. این شیوه در کتب متأخری مانند جامع الاحادیث الشیعه که در عصر مرجعیت آیت‌الله العظمی بروجردی و تحت اشراف ایشان فراهم آمد نیز به تاسی از ثقه‌الاسلام کلینی تکرار شده است.

تقسیم‌بندی کلینی در کافی بسیار هوشمندانه و به حسب اعمال و باورهای مکلف است. بخش اول به اصول عقائد اختصاص دارد. این بخش که مشتمل بر 8 کتاب است و عناوینی همچون عقل و جهل، فضیلت علم، توحید، حجت (که شامل شرح حال ائمه و خمس نیز هست) ایمان و کفر، دعاء، فضیلت قرآن و العشره را در بر می‌گیرد، شامل 3785 حدیث است که حدود یک‌چهارم کافی را به‌خود اختصاص داده است. ب

بخش دوم به فروع فقهی اختصاص دارد که از طهارت آغاز و به ایمان، نذور و کفارات ختم می‌شود. کتبی مانند صلات، صوم، حدود، دیات، شهادت، قضا و وصایا نیز در این میان قرار دارند. نظم خاص کلینی برای سامان‌دادن به کتب فقهی البته تنها تا زمان نگارش کتب فقهی گسترده همچون المبسوط و الخلاف شیخ طوسی دوام آورد. این بخش 10794 حدیث دارد. بخش سوم نیز که به روضه شهرت دارد شامل یک کتاب، تعدادی خطبه، رسائل ائمه علیهم‌السلام، تواریخ، قصص، مواظ و ظرائف حکمی است؛ این بخش بالغ بر 597 حدیث است.

از این رو کافی به 35 کتاب گوناگون قابل تفکیک است؛ امری که پیش از تدوین آن به هیچ‌روی سابقه نداشته است. نکته‌ای که در مورد بخش روضه کافی قابل ذکر است، دقت کمتر شیخ کلینی به اسانید و وثاقت روایات است. این امر را می‌توان از سویی ناشی از تسامحی دانست که معمولاً فقها در نقل ادله سنن روا می‌داشته‌اند و البته می‌توان آن را به سبب تقدم کتاب کافی، منشأ این امر دانست. کافی پس از نگارش به سبب اهمیت فوق‌العاده‌اش همواره مورد توجه شارحان و مفسران بوده است. شروحي مانند مرآة العقول علامه مجلسی، الرواشح السماویة میرداماد، شرح ملامحمد صالح مازندرانی و شرح آخوند صدرالمآلهین که مکرراً تجدید چاپ شده است را باید محصول همین اهمیت دانست.

ثقه‌الاسلام کلینی پس از عمری تلاش و کوشش علمی و تربیت طیف گسترده‌ای از فقها و محدثان - امری که لقب مجددالشیعه در قرن چهارم را برای او به ارمغان آورد - در سال 329 قمری که سال پایانی غیبت صغراست، در بغداد وفات کرد و در همان دیار به خاک سپرده شد.

تعقل یکی از عناصر حدیث شیعه است

مطلبی که از پی می‌آید برگرفته و چکیده‌ای است از گفت‌وگوی بلندی با آیت‌الله جعفر سبحانی درباره جایگاه شیخ کلینی در میان محدثان شیعه و نقش «؛کافی» در تدوین و تنظیم احادیث معتبر آن.

در دورانی که مرحوم کلینی زندگی می‌کرد، یعنی بین سال‌های 250 یا 255 تا 329 ق (که سال 329 ق را نجاشی ضبط کرده و همان صحیح است) شیعه 3 مرکز حدیثی بزرگ داشت. یکی «؛کوفه» بود، که در آنجا محدثان شیعه، فراوان بودند. شاگردان به‌اصطلاح ائمه پیشین، افرادی را تربیت کرده بودند که محدث به تمام معنا بودند؛ مانند علی بن ابراهیم و پدرش هاشم که از کوفه به قم و ری آمدند و احادیث اهل کوفه را نقل کردند. مرکز دوم «؛ری» بود و مقداری هم «؛قم».

اما در کنار اینها، اینکه آیا مرکزی هم در مدینه بوده یا نه، نیاز به تحقیق بیشتری دارد. در واقع این سه مرکز، «؛المراکز» بوده‌اند. در این میان، سهم مرحوم کلینی در احیای حدیث شیعه، از همه بیشتر بوده است. او کسی است که دومین جوامع حدیثی را نوشته است. جوامع حدیثی اولیه، در دست ما نیستند تا بدانیم چگونه بوده اند؛ مگر المحاسن برقی. وقتی مرحوم کلینی، صدوق و شیخ طوسی جوامع دوم را نوشتند، نه‌تنها آن اصول بلکه جوامع اولیه هم متروک شد. چرا؟ چون دسترسی به اینها بیشتر و نظم اینها بهتر بود.

این کتاب، آنطور که از کلام نجاشی استفاده می‌شود، در مساجد کوفه و بغداد، رواج داشته و حدیث آن را می‌خواندند، تصحیح می‌کردند و اجازه روایت و قرائت می‌دادند که نشان از اقبال عظیم محدثان آن زمان، نسبت به این کتاب بوده است. از مزایای دیگر این کتاب، این است که احادیث آن غالباً مسند است؛ مقطوع و مرسل، کم دارد. اوایل سند احادیثش هم غالباً مشایخ ایشان هستند و کمتر حدیثی است که از غیر آنها نقل شده باشد.

البته گاهی مراجعه‌کنندگان اشتباه می‌کنند و خیال می‌کنند که اول سند برخی از احادیث الکافی، مقطوع است، در حالی که مقطوع نیست بلکه عطف بر سند حدیث قبلی است که نقل کرده است؛ مثلاً وقتی می‌گوید «؛حسن بن محبوب»، قبلاً سندی به حسن بن محبوب دارد. البته گاهی مقطوع هم پیدا شده است؛ ولی از مزایای این کتاب، این است که سند روایاتش تکمیل است و ما

را به زحمت نمی‌اندازد، برخلاف مرحوم صدوق و مرحوم شیخ طوسی که روایات را از صاحب کتاب ذکر کرده‌اند و اسانیدشان را به صاحب کتاب، در مشیخه نقل کرده‌اند.

کلینی، یک محدث کامل‌العیار است که به حدیث و علوم حدیث، کاملاً وارد بوده و دلیلش همین کتابی است که مرحوم کلینی تألیف کرده است؛ اما بر اینکه نقل می‌کنند «الكافي كافٍ لشيعةنا» نباید تکیه کنیم. در الکافی بعضی روایات هست که با اصول ما سازگار نیست. اگر این کتاب را واقعا بر وکلای حضرت عرضه کرده‌اند و هم خدمت حضرت برده‌اند، بالاخره حضرت هم بر آن روایات انگشت می‌گذاشتند. به هر حال، ما به این گفته‌ها و شنیده‌ها خیلی تکیه نمی‌کنیم؛ ولی الکافی، کتابی است که اکثریت آن از صحت و اتقان، برخوردار است و از آن کتاب و از کلینی، تجلیل و تکریم می‌کنیم.

دوران کلینی، دوران استیلای اهل حدیث بود. معتزله، از صحنه بیرون رفته بودند، چون متوکل که آمد، اینها را مستأصل کرد. اشعری در سال 305ق در مسجد بصره گفت که بگویند که من توبه کردم و جزو اهل حدیث هستم. بازار، بازار اهل حدیث بود و عباسیون، تا قرن پنجم و ششم، مروّج اینها بودند. القادر بالله، جزوهای درباره عقاید نوشته بود که هر جمعه باید ائمه جمعه، این را برای مردم بخوانند و از مردم، تصدیق بگیرند. یکی، این بود که «خلق القرآن» کفر است و هکذا و هکذا. دوران، دوران این چیزها بود.

ولی می‌دانید که حدیث شیعه، همیشه با عقل و تفکر، آمیخته است؛ یعنی در حدیث شیعه، «تعقل» یکی از عناصر است. اگر شما کتاب التوحید مرحوم صدوق را با التوحید ابن خُزَیمه، مقایسه کنید - با وجود اینکه خیلی فاصله سنی ندارند؛ ابن خُزَیمه در سال 311ق و صدوق، در سال 381ق درگذشته است - می‌بینید که هر دو حدیثی هستند، ولی در کتاب صدوق، عنصر تعقل، خیلی بیشتر است و در آن، کمتر. کلینی در چنین دورانی زندگی می‌کرده و لذا گاهی هم بحث‌های کلامی را آورده است.

همشهری آنلین- سهند صادقی بهمنی